

به نام خداوند جان و خرد

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ» (اعراف/۷)

رودخانه خروشان فرهنگ و ادب فارسی مسیر بسیار طولانی و پر فراز و نشیبی را از روزگاران گذشته تا به امروز طی کرده و جلوه‌های متعددی از حماسه، عشق، عرفان، پند و اندرز، حکمت و... را به نمایش گذاشته است. آثار ارزشمند برجای مانده از مفاخر ادبی دربر دارنده و ترجمان بخش اعظم هویت ایرانی و اسلامی مردمان سرزمین باشکوه و دارای تمدن دیرینه ایران زمین است. ما امروز وامدار بزرگان و نیکانی در قله‌های ادبی فارسی همچون رودکی، فردوسی، ناصر خسرو، سنایی، عطار، مولوی، خواجوی کرمانی، حافظ، شهریار و... در عرصه شعر و شاعری هستیم که نه تنها در حافظه جمعی ایران و جهان خوش درخشیده‌اند؛ بلکه فرزندان خلفی از جمله نیما، اخوان ثالث، سهراب سپهری، شاملو، قیصر امین‌پور، هوشنگ ابتهاج، حسین منزوی، محمدعلی بهمنی، حمید سبزواری، علی معلم، سید حسن حسینی، علیرضا قزوه و... در گستره شعر و شاعری ادبیات معاصر به یادگار گذاشته‌اند. البته سهم زنان شاعر فرهیخته نیز کم از بزرگ مردان ادبیات نیست. از رابعه عدویه و رابعه کعب قزداری گرفته تا پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی، فروغ فرخزاد، سپیده کاشانی، سیمیندخت وحیدی، طاهره صفارزاده و... که انصافاً در پهنه آسمان فرهنگ و ادب فارسی روشنایی‌های جاودانه آفریده‌اند. همچنین ما امروز وامدار نویسندگان بزرگ گذشته تا دوران معاصر هستیم که با توانمندی قلمی و تخیل خلاق خود مخاطبان خود را از عالم فرش به عرش رسانده‌اند. در حوزه نثر فارسی نیز فرهیختگانی همچون خواجه عبدالله انصاری، ابوالفضل بیهقی، سعدی، ابوالفضل رشیدالدین میبدی، سعدالدین وراوینی، عطاملک جوینی و... متون برجسته و گران‌سنگی از خود برجای گذاشته و افتخارات بزرگی نصیب فرهنگ و ادب این مرز و بوم کرده‌اند. محمدعلی جمال‌زده، در حوزه داستان‌نویسی طرحی نو افکند و زمینه را برای نویسندگان دیگر چون صادق چوبک، عباس معروفی، سیمین دانشور، بزرگ علوی، جلال آل احمد، هوشنگ مرادی کرمانی و... فراهم کرد. در حوزه داستان‌نویسی رضا امیرخانی، محمدرضا بایرامی، ابراهیم حسن بیگی، حمید حسام، بهناز ضرابی زاده، مریم عرفانیان و بسیاری دیگر از اهل قلم که در خود تعهدی نسبت به روایت صادقانه استقامت در برابر ظلم و ستم استکبار جهانی، احساس کرده‌اند؛ به تحریر این لحظات سرنوشت‌ساز مبادرت ورزیده‌اند و بدون شک بعدها در تاریخ ایران و حتی تاریخ جهان ثبت خواهد شد.

ادبیات پایداری شاخه‌ای از ادبیات معاصر است که ریشه و پیشینه آن را باید در ادبیات حماسی و عرفانی جستجو کرد. نوآوری‌های ادبیات معاصر در متون ادب پایداری، البته با مضامین متفاوت جهت روایت جان فشانی‌ها و دلاوری‌های مردان و زنان از خود گذشته و وارسته از نفسانیات، کاملاً مشهود است. عنصر اصلی این نوع ادبی، تعهد در برابر خداوند، وجدان و بشریت، اقتضای کند تا آفرینندگان ادب پایداری چه در حوزه شعر و چه در حوزه نثر یا داستان‌نویسی، افزون‌بر توجه به زیبایی‌های ادبی و تصویرآفرینی‌های خلاقانه، ایجاد تحول در زندگی شخصی، اجتماعی و گاه ارتباطات جهانی را مد نظر داشته‌باشند. از این رو آفرینش‌های ادبی باید به ایجاد تحولات عظیم ملی و جهانی منجر گردد.

پیام ادبیات پایداری، دفاع از حقوق بشر، گسترش صلح و دوستی و ایجاد امنیت و آرامش میان همهٔ مردمان جهان و رساندن صدای فرودستان و ستمدیدگان به جهانیان است. روایتگری صحنه‌ها، حوادث و رویدادهایی است که اسطوره‌های شجاعت، مردانگی، صداقت، شفقت و... در جهت حفظ هویت و حریم سرزمین خود با جانفشانی، تاریخی دیگرگون آفریدند. همچنین روایت سروقامتانی است که هدف نهایی یعنی تحقق جامعهٔ آرمانی به دور از هر نوع فعل اهریمنی در سطح جهانی را با خویشکاری خود دنبال کردند. احیای فطرت و ذات پاک الهی، شکوفایی و رشد اندیشه‌ها، قراردادن علم و دانش‌های جدید در خدمت رفاه و آسایش بشریت و نه در جهت جنگ‌افروزی و تجاوز به حقوق دیگران، بشردوستی و عشق به انسانیت و تحقق وحدت و همبستگی در سطح ملی و جهانی از جمله اهداف و رویکردهای روایتگری در ادبیات پایداری است. خوشبختانه اکثر متون فاخر ادبیات فارسی با خلاقیت و توانمندی این هدف‌ها را به زیبایی به تصویر کشیده‌اند. امروز به لحاظ آسیب‌هایی که از سوی استکبار جهانی متوجه بیشتر مردم سرزمین‌ها شده؛ نیاز به وحدت، همدلی و وفاق در سطح مردم جهان به صورت فراگیر تسری یافته‌است و این پیام شهریار که روزگاری صرفاً مردم ایران را از خطر تفرقه و جدایی آگاه می‌کرد؛ خطاب به کل ستمدیدگان جهان است:

چو خواهد دشمنی بنیاد قومی را براندازد نخست آن جمع را از هم پریشان و جدا سازد
چو تنها کرد هر یک را به تنهایی بدو تازد چنان اندازدش از پا که دیگر سر نیفزارد

نوآوری، داشتن افق‌های بلند و تازه، آشنایی با رویکردها و نظریه‌های علمی جدید و کاربست آنها در نوشتن مقالات پژوهشی، رونق‌بخش این نشریه علمی و پژوهشی خواهد بود. این نشریه در سال ۱۳۸۸ به همت استادان فرهیخته، نیک سرشت و نکونامی از جمله دکتر محمدصادق بصیری، دکتر احمد امیری خراسانی، دکتر محمد رضا صرفی و دکتر ناصر محسنی نیا و بنیان‌نهاد شد و فعالیت علمی خود را به حول و قوهٔ الهی تا امروز همچون سروی بلند و سرسبز ادامه داده‌است. سردبیری این نشریه، خلعتی در خور قامت بلند علمی استاد محمد صادق بصیری بود که سال‌ها با تلاشی ستودنی این امر مهم را مدیریت و تمشیت کردند. قدردان همهٔ زحمات خستگی‌ناپذیر ایشان هستیم و برای سلامتی و سربلندی ایشان و سایر بزرگوارانی که در این نشریه ایفای نقش کرده‌اند، دست نیاز به سوی قادر متعال و بی‌نیاز بلند می‌کنیم. اعضای هیأت تحریریه مشتاقانه منتظر ارسال مقالات و پژوهش‌های ارزشمند برخاسته از دل و جان اهل قلم در راستای ایجاد پیوند و وحدت میان تمامی افراد با زبان‌ها، نژادها و ملیت‌های متفاوت با رویکرد فراملی‌گرایی و هم‌افزایی و همدلی ملی و ایمانی میان مردمان اصیل، نجیب و صاحب تمدن دیرینه در ایران زمین هستند. امید است به یاری خداوند متعال و در سایهٔ توجهات ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، این نشریه روز به روز پربارتر و شکوفاتر به حیات علمی خود استمرار بخشد.

من الله التوفیق و علیه التکلان

بهجت السادات حجازی